

## نکاتی دربارهٔ سیاهمشق میرزا غلامرضا اصفهانی در موزهٔ رضا عباسی به شمارهٔ ۲۳۸۱

محمدحسین اسرافیلی<sup>۱</sup>

### ●●● مقدمه

رسید (همان: ۲۳۱). هر چند در سیاهمشق نویسی عصر قاجار خوانایی متن و انتقال کلام بسیار کم‌رنگ شد و فرم کلام و ترکیب‌بندی عناصر اهمیت یافت، ولی با مطالعهٔ متن بسیاری از سیاهمشق‌ها می‌توان هم‌خوانی محتوای کلام و حالت درونی هنرمند را دریافت کرد. در واقع، با توجه به این سیاهمشق‌ها می‌توان چنین گفت که این قالب مجالی آزاد است برای نمود جریان سیال ذهن هنرمند با بهره‌مندی از حس نهفته در کلام (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

### ●●● دربارهٔ اثر

میرزا غلامرضا اصفهانی (۱۲۴۶-۱۳۰۴ ق.) یکی از قله‌های قلم نستعلیق و شکسته‌نستعلیق بود (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۸) که نقش به‌سزایی در

خاستگاه سیاهمشق تمرین خوشنویس برای رسیدن به آمادگی و پختگی در نگارش حروف و کلمات و صفحه‌های پاک‌نویس بوده است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). در طی تاریخ خوشنویسی اسلامی، سیاهمشق‌ها به‌مرور دارای ویژگی‌های بصری خاص و ارزش‌های زیباشناسانه شدند که بیش از خطوط دیگر، بارزترین نمود این تحول در قلم نستعلیق اتفاق افتاده است. به‌گواه آثار، سیاهمشق نویسی نستعلیق به‌عنوان قالبی مستقل از اواخر سدهٔ دهم ق. آغاز شد و در سدهٔ سیزدهم ق. با تلاش خوشنویسانی چون اسدالله شیرازی، میرحسین خوشنویس‌باشی، غلامرضا اصفهانی و محمدکاظم تهرانی به اوج شکوفایی و خلاقیت

بالندگی جریان خوشنویسی عصر قاجار و شکل‌گیری مکتب هنری این دوره داشت. با مروری بر آثار این هنرمند، در می‌یابیم که ماحصل فعالیت هنری‌اش برای رسیدن به سبکی شخصی در قلم نستعلیق در اواخر نیمه دوم زندگی‌اش به ثمر نشست و بیش از هر قالب دیگر، دل‌بسته سیاه‌مشق بود. یکی از آثار غلام‌رضا، سیاه‌مشقی به خط نستعلیق است که هم‌اکنون، در تالار خوشنویسی موزه رضا عباسی در منظر نظر شیفتگانش قرار دارد (تصویر ۱).  
متن اثر به این قرار است:

هو المسعود

ای آنکه ره بمشرب مقصود برده [ای]

زین بحر قطره [ای] / جرعه [ای] بمن خاکسار بخش

یا علی مدد است

تحریراً سنه ۱۲۹۷



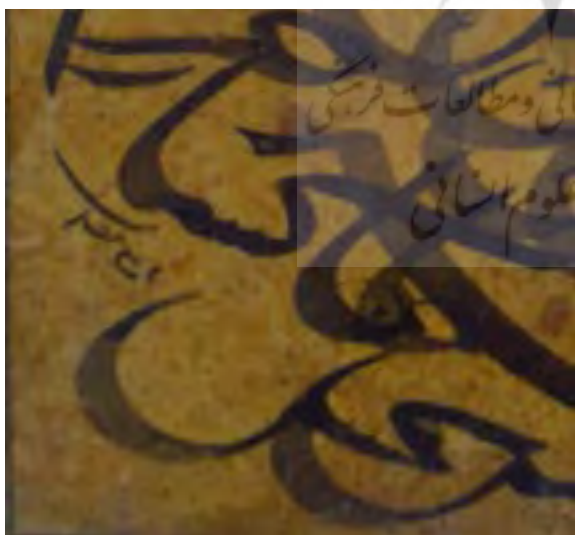
تصویر ۱: (مأخذ: نگارنده)

غلام‌رضا، با نام خداوند آغاز شده؛ این‌گونه که پس از ضمیر «هو» نام یا نام‌هایی از پروردگار را می‌نوشته است که در برخی نمونه‌ها، به‌وضوح می‌توان میان این نام‌ها با محتوای متن پس از آن‌ها و حال درونی هنرمند ارتباط برقرار نمود. خوشنویس در این اثر با توجه به مضمون متن که بیتی از حافظ است، تمنای رسیدن به مقصود و نیک‌بختی خود را با عبارت «هو المسعود» آغاز کرده است. همچنین، اندازه کوچک قطعه، رقیق بودن مرکب و ایجاد سایه‌روشن‌ها و رنگ کهنه و تیره کاغذ هماهنگی جالبی را میان محتوای سیاه‌مشق با فرم ارائه آن برقرار نموده که در برانگیختن حسی صمیمی و آرامش‌بخش و غمی عارفانه در مخاطب امروزین مؤثر است.

از نکات جالب در متن اصلی اثر، استفاده از هر دو واژه «قطره» و «جرعه» است که توجه غلام‌رضا را به اختلاف نسخه‌های دیوان حافظ نشان می‌دهد. او در سیاه‌مشق خود به جای نوشتن نامش، تنها امضای اختصاصی‌اش به خط شکسته‌نستعلیق (یا علی مدد است) را به کار برده است که می‌توان ریشه استفاده از این عبارت را در سلوک معنوی<sup>۱</sup> و جریان خواب کودکی‌اش جستجو کرد.<sup>۲</sup> محل قرارگیری رقم افزون بر جنبه ترکیب‌بندی از نظر ایجاد هماهنگی مضمونی نیز درخور توجه است؛ به این صورت که آن را پایین کلمه «خاکسار» نوشته (تصویر ۲) و بدین ترتیب، هم‌خوانی محتوایی میان رقم و این واژه و حس کلام ایجاد شده است. غلام‌رضا بر مبنای شیوه رقم‌زنی و درج تاریخ در آثار خوشنویسی که از واژگانی خاص و غالباً زبان عربی بهره می‌برده‌اند، سیاه‌مشق خود را به پایان رسانده است.

مطالعه مفردات این سیاه‌مشق پاک‌نویس که بسیار روان و پخته نگاشته شده، گویای شیوه استوار و منعطف میرزا در قلم‌نستعلیق است که در جای‌جای خطش، به‌ویژه در زوایای قلم‌گذاری و قلم‌گردش‌ها و نحوه اتصالات، قابل بررسی است. ترکیب‌بندی و صفحه‌آرایی این سیاه‌مشق، مانند بخش عمده سیاه‌مشق‌های این هنرمند، در کادر مستطیل عمودی و به صورت چلیپایی سامان یافته است. غلامرضا برای افزایش جذابیت بصری ترکیب و چرخش چشم بیننده، عبارات «تحریراً» و «سنه ۱۲۹۷» را در زوایای متفاوت با ریتم کلی عناصر نوشته (تصویر ۳) و بدین ترتیب، حالتی چند سویه را در سیاه‌مشق به وجود آورده است که خود از پیشگامان تکامل این نوع سیاه‌مشق‌ها در عصر قاجار بود. از یک منظر، ترکیب سیاه‌مشق‌هایی از این دست که عناصر نوشتاری کمی دارند، دشوار است؛ زیرا، هنرمند باید با تعداد

کلمات محدود به ترکیبی منسجم برسد. میرزا در این اثر با چیدمان و تکرار عناصر، بیشترین تمرکز فضای مثبت را در نیمه بالایی ترکیب قرار داده است. در کنار این اتفاق، با ایجاد فضاهای منفی مناسب و نوع چینش عناصر در نیمه پایینی ترکیب در حفظ وحدت و انسجام سیاه‌مشق کوشیده است. تنظیم حرکت‌های عمودی و افقی و حالت تکرار و تداخل عناصر نیز در ایجاد ترکیب منسجم این اثر مؤثر بوده است. با توجه به این توضیحات، اثر مزبور جزء سیاه‌مشق‌های خاص میرزا به شمار می‌رود که افزون بر اجرای دقیق و ماهرانه، به زیبایی پیوند مضمون، فرم و حس هنرمند را نمایان کرده است. بدین ترتیب، ردیابی مسائلی از این دست در آثار خوشنویسی، خاصه سیاه‌مشق‌ها، شایسته بررسی‌های دقیق‌تر است تا بیش‌ازپیش زوایای پنهان این خطه از هنر ایرانی برای هنرمندان و علاقه‌مندان آشکار شود.



تصویر ۳: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۲: (مأخذ: نگارنده)

۱. برای مطالعه در این باره، نک: سهیلی خوانساری، ۱۳۶۹: ۲۱-۲۴.
۲. برای دیدن حسب حال میرزا به خط خودش، نک: قلیچ‌خانی، ۱۳۹۶: ۲۰۲.

## منابع

- سهیلی خوانساری، احمد. (۹۶۳۱)، مرقع نگارستان: احوال و قطعاتی از آثار میرزا غلام‌رضا خوشنویس اصفهانی، چاپ اول، تهران: شرکت انتشاراتی پازنگ.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۰۹۳۱)، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، چاپ سوم، تهران: انتشارات روزنه.
- \_\_\_\_\_ . (۲۹۳۱)، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، چاپ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- \_\_\_\_\_ . (۶۹۳۱)، پنجاه سال با دکتر مهدی بیانی (۶۴۳۱-۶۹۳۱ ش.)، چاپ اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۳۹۳۱)، سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

